شهروند یا شهوت یا شهروند سپرده؟!

حجت الاسلام محمد سروش محصتی

۱- استاد حوزه علمیه قم و عضو هیات علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چکیده

در دانش و اصول قلم، گرایشی وجود دارد که مقلدان را از جهت کردان ممکن می‌گویند و آنان را طریقت به تبعیت چشم بسته می‌دانند. ولی اگر تقلید منبی «عقلی» داشته باشد و خرده‌دان به حكم عقل خوشی به آن تنده، قهرای باید «چیستی» و «چگونگی» آن را از عقل پرسید. از نظر آنان، وقتی نظر کارشناسان صاحبان حرف و تخصص، ارزش و اعتباری پیدا می‌کند که نسبت به آن «طقسی» وجود داشته باشد.

در سیره عقاید تعلیق از نوع سرسپرده و چشم بستن دیده نمی‌شود و با قبول تقلید مرکز حق سؤال کردن نه نمی‌شود و نمی‌گردد و چنین اسلام و عقاید مذهبی همه به نیاز بیشتر دارد.

و شهوت تعیین نمی‌گردد. این دیدگاه پیشنهادی مهمی به نیاز بیشتر دارد.

کلید واژه‌ها: تقلید - تبعیت - عقل - احتمال خطا.

نویسنده مسئول: حجت الاسلام محمد سروش محقق‌مال‌ملکی، حوزه علمیه قم و عضو هیات علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

e.mail: m.soroosh.mahallati@gmail.com

طرح سؤال

کسی که در هم و درک دینی صاحب نظر نیبوده و نمی‌توانند با مراجعه مستقیم به منابع مقتضی و با به کارگیری صلیبی صحیح اجتهاد، حکم شرعی را به دست آورند. لازم است که به حکم عقل خوشی به مراجعه مراجعه و تقلید کنند. ولی آیا این مراجعه برای فرایگری احکام به معنی آن است که آنان به طور کلی، همه دانسته‌ها و یافته‌های خویش را باید نادیده اگذشتند و با تعلیق ذهن خود، نام دیگری «جاهل محسوس»، «فتوی محتوم»، اگر کردند و بدون آنکه اجازه چون و چرا داشته باشند تسهیل فتوی شده و حق بحث و گفت و گو با محتوم را نداشته باشند؟

بیرونی و تحقیق

آن‌ان که به سؤال فوق پاسخ می‌دهند، تقلید» را به معنی «بستن چشم‌ها» و سپردن اختبار خوشی به دیگران می‌دانند. با این تفسیر، چون مقدّم گیاه است «حققومه‌ی» و دانستن تاریخ. اما فقط «وظیفه یک عقل» و می‌تواند سپرده که «ضدی» محض چیست (استقلال)، ولی می‌تواند بررسی که «دلیل ضعیف» یا چیست و درباره آن لیبل، پرسشی مطرح کند، در اینجا مطالبی دلیل ممنوع است. اما اگر، این است که اگر آن‌فیکت آن‌فیکت را قبول کرده و چون و چرا دیباره آن آثار بی‌بی‌رک است، می‌توانند در مجلس دیگری برای اتفاق خود، از دلیل آن جوابی شود: «بنیان دینی درستی» بنیانی نشان دهنده این باشد نیست. وقتی عقلی باشد، می‌تواند مقتضی که می‌تواند به فتویجی محتوم خود، اشکالی را نشان دهد و برخورداری باشد، می‌تواند به خود گردد. لازم می‌باشد این سخن‌برای یک اشکال یک دار است، از محتوم نظر نیست به چه این امام محتوم گزینی توصیه می‌کند: «و ما باید علمی به‌نوبه علمی مبهمی جوابی از همینهای کسانی که از این نظره دفاع می‌کنند، توضیح تمام می‌دهند که مقلدان شد و چون آن‌ها از اشکال در دنیا خود نسبت به یک قدرت جلوگیری کردند آن‌وا چه اشکالات فراوانی می‌باید پاسخ خود مرنگ جمله‌ای برای آن‌ها نمی‌باید. اما باز هم باید عقل خود را تخلیه کرده و همه آن موارد را به حساب «نافذی» خود بگذارد و همچنان قسمت بسته بیسته بیست و حکمت را

Downloaded from jida.ir at 10:21 +0330 on Saturday November 16th 2019
أنا هدة، أيا خردمستان كه در أمور خود از منخص تقلید ما مکنی، وئی مثل درباره تشخیص قوی و معالجه او، با إشغال مواجی مشترک و درباره نظر و اطمنان خورا از دست میدهند، با هم به "اصاله الصحة" روز می‌آورند و شک و تریده را واردی‌کنند و بدون آنکه در صدد تحقیق تحقیق و پیش آینده همکاری به آن دستورالعمل و فاقدار ما مانند؟

در میان مختلفان اسلامی عصر آخر، کنتر کسی را می‌توان باید در تبیین "قلو تقلید مشروط" مانند شهید مطهری با جرأت و سخنپر و به تقدیم زیادی را به پیاده‌سازی باشند. در حالی که آنها دیبرنگری از دنیا رفت و عمل مورد با موضوع تقلید و انتخاب مرجع درگیر شدند، مطهری به طرح چنین سواله پردیدن و پس از آنکه روح عاملی به فقه را با دو قسم: "مشروط" و "مقول" تقابل کرد، به آسیب شناختی، موجود در مورد مشروط خواندن آن نمود که در عجیب‌جهان مرجع تقلید هستند، گاهی که کلمه را می‌گویند: "می‌گویند کسی را پیدا کنیم که آنها "سرپرستی" می‌خواهند تقلیدی که در اسلام دستور رسیده، "سرسردی" نستی، چشم بازکردنی و کوش بازداشت است." مطهری سپس در یک جمله کرتانه به یک کتاب مفصل اشاره کرده: "تقلید آگه شکل "سرسردین" بیدا کرد، هزارا مافیس پیدا می‌کند. یکی که نبودن‌ها توی دنیای مکنی، این سؤال مطرح شد که تعبیه این قضاو برای یک، چه مبنای دارد و چه نباید تقلید شکل سرسردین پیدا کند؟ پاس کرتانه آن است که چون تقلید "بجنب عقلانی" دارد، از این رو معرفی قابلیت که در نزد عقلانیت مشهوری نباید. شروع تازه نیز تبدیل نیستی، از سوی نیز وقتی عقلانیت و مرجع به خبره و عالم را می‌پردازند که "ووقتی" و "اطمینان" بررسی، و آن غیر از اعتقاد نیست. مرجع آن آله گلایکانی از جمله درس است "دست خوش آیت الله حاج شیخ علی‌کریمی حائری، یزدی، می‌کند که یکی از بهارمود "قول خبره، بدون اطمینان و وقوق، حجت، نستی" (۲). آخوند خراسانی نیز در اثر معروفی - کلیه‌الاصول - تصریح قردرکه: "آنچه که از سیده عقلان نسبت به رجوع به اهل خبره، قطعی و مسلم است مواردی است که هرگر به وقوق و اطمینان باشد" (۵)، و منیزی تاثیر نیز بر هر سدار است که عقلان و خردمستان، در محیطی که اطمینان با دیده خاصی نشاند، از آن پرویز که این اظهار ماکنی که یکی یا دو یا سه نیز در زمینه اعتماد به دو کننده، معتبر می‌شمارند و در صورت شک به آن عمل نمی‌پذیرند: "الفقیر المیقیقی میانه عقلانه می‌توان به حاصل قانون کارتیه، ولی عقیده عقلان به فکری میانه عقلان به فکری". بعد از این، اله مدارک مشترکه و لبه دیده عقلانه، نباید قرار گرفته است. نهایتاً از یکی از مدارک مشترکه و لبه دیده عقلانه، نباید قرار گرفته است.

با توجه به این بینای عقلانی در با بیانی تمایلی که از سیستم برجسته‌ترین فقهی شیوع در عصر اخیر مورد تأیید قرار گرفته است، یک نگاه به این مبنا عقلانی می‌باشد که با رایه شناسی به ظرفیت و با رایه دریافت و با رایه دریافت است. زیرا در رایه شناسی و جوامع، اینجا نیز به "حمله" و "حمله"، اینجا قرار دارد و "حمله"، اینجا چنین شکسته و پس از این شکسته، سپس که دو شخص نیز را که در هم "حمله" و "حمله"، اینجا قرار دارد."حمله"، اینجا به دستور "حمله"، اینجا و اطلاع خاصی که مشترکه، مقد می‌باشد و در "حمله"، اینجا قرار دارد و "حمله"، اینجا به دستور "حمله"، اینجا و اطلاع خاصی که مشترکه، مقد می‌باشد و در "حمله"، اینجا قرار دارد، و اطلاع خاصی که مشترکه، مقد می‌باشد و در "حمله"، اینجا قرار دارد.
جحت الاسلام محمد سروش محلاطی

صدور مقدمه چند آگاهی کامل نسبت به ادله و مستندات آن فتوی نداشته باشد. ولی تا وقتی که اطلاعی آن اطلاعیان دارد، بر طبق آن عمل می‌نماید. از همین روستی که وقتی نسبت به یک فتوی بر اثر مدیون می‌شود هم "حق پرسش" دارد. و هم حق دارد که وارد "بحث و گفت و گو" شده و تا اقتناع خود مباحثه و مناقشه را ادامه دهد.

حتی اگر اکثریت برخی‌های فکری زندگی مقدمه در هنگام تجربه و تردید درباره یک فتوی، باز هم یا به آن "عمل" کند، این وظیفه عملی، مانند "بحث علمی" برای این یا اینکه، او یا هر حال می‌تواند با صاحب تفاوته بحث پرداخته و با مناقشه درباره فتوی مبادرت کند. ملاح از ارتباطی که در فقه بده و عقیده مذکور است. از اکثریّة که می‌گویند "غیر مجتهده حق ندارد، بحث کنند". انتقاد می‌کند و چنین دیدگاهی را تخلیه می‌نماید، و یا می‌گوید: آنها که بحث در مسائل دینی را به "مجتهدین" اختصاص می‌دهند، می‌تواند خطا شده‌اند، "یک‌پارچه جنگ به‌طور مجتهد، می‌تواند به‌طور نکننده در سربازی است که "عمل" یا "حق عقل" نیست که یک مطالعه، افتخار و تشویق خلاف مفهوم باید در این باره فتوی آیت الله گلایگانی نیز چنین است که لازم ابتدا بودن دستورات دینی را به عدم مخالفت آن‌ها با "حق عقل و علم ثابت با فرضیهٔ علمی" دانسته‌اند. (9)

نتیجه آنکه پیشنهاد که در اسلام مورد تأیید قرار گرفته، همان تقلیدی است که در هر عقاید اخیری شده است، از این رو ماهیت تقلید و قلمرو آن را بر منابع درک عقل و حکم خود مدنیان باشد بیان کرد

1- تقلید با "حق هفیده" و داستان منافعی ندارد. مقدم و وقتی که تنها حُل عالمانه یک مسئله را خود نمی‌بیند، به تقلید رو می‌آورد

2- در هنگام تقلید کردن: مقدم "حق و شعور" خود را تعلیق نمی‌کند و بر عقل خود قبل نمی‌نگرد و اجازه تألیم را از آن سلب

نیم‌نامی

3- سرسپرده مطلقو و تعلیق بر آنان چون و چرا و چشم یست، در سرباز عقل و وجود ندارد.

4- خردمندان. تعیین و پروری از دیگری را به موارد "اطلاقی و وقوع" علیه می‌دانند و در مورد شک و تردید در صحت رأی خبره، آن را به تعلیق نمی‌دهند و بر منابع آن زندگی نمی‌کنند.

5- قلمرو تقلید بر اساس قلمرو فهم و شعور مقلدان تعیین می‌شود و نسبت به همه مقلدان یکسان نیست، کسانی که از آگاهی کنترل خودتان را در یکی از برخوردان و فکر بیشتری دارند به دلیل فلسفه از این به‌طور علمی و دوست‌داری آن سیری که جزء و بیان می‌رسند، به هر صورت قلمرو و سیرت قلمرو تقلید می‌کند و کسانی که به عکس از این فعالیت‌های برخوردان، به‌همین ترتیب نسبت به رأی دیگران به شکل و شوق اطلاعیان دست به کان و کیت بست و اقدام می‌کند.

6- قباطی بزرگ، خودمی‌آزم. بر جهتی تعیین حرف نگیس درباره مبنا تقلید، به درستی و بر دقت از سرباز عقل و برخوردها با هم با قبول عقلاییت اش از قبل "عدم علم به خطا" و یا با "وتو" معتبر ما شماری، اما آن قبول کنترد راه‌سازی عمیقی مفکر شده و برای مقایسه بازگر می‌شود. مثلاً بیشترین نوع نفس درباره تقلید، در عروقی و در دو تدین شده، در حالی که این نوع احکام در آن دیده نمی‌شود. آیت الله به‌جهت از نادر قباطی ایست که این مسئله را ذکر کرده است، ایشان حتی در صورت "احتمال خطا" در مستند فتوی هم تقلید را تأیید نمی‌کند. (10)
شهروندی با شهر و سرسرد ۱۴

در دهه‌های اخیر، علمای اسلامی کتاب‌های متعددی در بیان تقلید برای پاسخ به اعترافاتی که به تقلید شده است، تأکید کرده‌اند و تلاش‌های عالمان از رشته‌ای عرضه کرده‌اند، ولی در این آثار جدی به اینکه تقلید یک امر عاطفی، با طراحی و با ضروری است، چیزهای دیگری نیست و آنان نیز رغبتی به تامین قرآن تقلید در اتحاد شرعی به استندان «سیره خبرمیدان» نشان نداده‌اند. در این زمینه استاد مطهری یک استندان است که پنجه سال پیش، تقلید ممنوع را شامل برخی موارد تقلید از مجتهدان نیاز داشته و به شدت با تفسیر تقلید به سرسپردگی مخالفت کرده و آن را موانعی مفسد می‌دانست. اگر آن مقاله با آخرين کتاب‌هایی که درباره موضوع تقلید نگاشته شده -از قبیل نقش تقلید در زندگی انسان از استاد مصباح زیدی- مقایسه شود، فاسله زیاد دیده‌گاه آن استاد و به ایجاد نگاهی دیگر شکر می‌شود.

-8- اگر یک قرن قبل این امکان وجود داشت که برای عملیات شهوتندان در زمینه مسائل دینی، تعیین به قانون باشد، در درک و شعور شان سازگار باشد، ولی در این سنسه که به علل مسئولیت‌ها دست یافته و جرأت و جرسارت پرسیدن و مفهوم پیدا کرده‌اند، اینگونه تعبیر زیاد در آنکه با یک لیل قانون کننده ارائه شود سخت، دشوار شده است. مثلاً وقتی تشخیص می‌دهد که خرید و فروش پل، یک امر غیر عقلی است و هیچ عاقبی اقدام به خرید پنجه هزار تومان در مقابل پرداخت شش هزار تومان شکن، این چیزی که تحقیق روا با «خرید و فروش پل» می‌نماید، به یک فرد و جهیه متسوی می‌شود و هنگامی که تحقیقه علمی املام شهید بشتی و مطهری هم این موضوع را می‌بنیان و جانانه از مقتی خدش بسنده که چنین کاری خالص است. بلعامه می‌پرسد که چرا؟ در اینجا معلوم طیاله لیل می‌کند و استقلال می‌نماید که: «نظر حصر عالی نیروی خرید و فروش پل» چیست؟ لطفاً پاسخ را همراه یک مقرمر فرمایید» ولی ایا این پاسخ برای ای کافی است که: «از نظر موازین فقهی سامعی ندارد... زیرا که اسکناس از مکل و موزون نیست و رای معاوضی تنها در مکل و موزون جراین دارد»؟

(ادامه دارد)

منابع

۱- عاملی، زین الدین، منیه المربی، ششم. ق: بوستان کتاب: ایبی تا: ۲۰۰۶.
۲- غزالی، ابوحاصد، حیاه علوم الدین، جلد 1. بیروت: دورالکتاب العربي: ایبی تا: ۲۸.
۳- مطهری، مرتضی، بحث دریادار مرجعیت و روایتی، جلد اول، تهران: انتشار: ایبی تا: ۲۵.
۴- گلیپکایی، سید محمد رضا، اندازه‌ها اندازه‌ها، جلد ج2. ایبی تا: ۶۳.
۵- خردادی، محمد کاظم، كتاب‌الاصول، ق: آل البيت (ع): ۱۴۰۹-۱۴۸۷.
۶- نامی، محمد حسین، فوادت الأصول، جلد سوم، ق: دفتر انتشارات اسلامی: ۱۴۱۷-۱۴۳۷.
۷- اردیبهشت، ملا احمد، مجمع الفائدة و البرهان، جلد اول، ق: دفتر انتشارات اسلامی: ۱۴۳۰-۱۴۳۹.
۸- خوئی، سید ابوالقاسم، صراط النجوم، جلد اول، ق: نشر المنتخب: ۱۴۱۶-۱۴۱۷.
۹- گلیپکایی، سید محمد رضا، مجمع المسائل، جلد دوم، ق: داورآقانکرم: ۱۴۳۹-۱۴۳۴.
۱۰- بهشتی، محمد تقی، جامع المسائل، جلد دوم، ق: دفتر مؤلف: ۱۴۳۶-۱۴۳۷.

مجله دندانپزشکی جامعه اسلامی دندانپزشکان؛ دوره ۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰.